

## اجزای جمله ( نهاد و گزاره )

همان طوری که در مباحث قبلی اشاره کردیم که جمله ها ، گاهی دارای فعل و گاهی بی فعل هستند و ما در این جا می خواهیم اندکی درباره ساختار کلی جمله های معمولی و با فعل مطالبی را ارائه دهیم:

به جمله های زیر و تقسیم بندی آن ها دقت نمایید:

### جوانی از سر کار بر می گشت

دوره نوجوانی دوران شور و شوق و شکوفایی است

استقلال طلبی، کنجکاوی، شوق یادگیری و دانایی و ... نوجوان را گاهی ناآرام جلوه می دهد.

- (تو) مثل یک شاخه گل جوانه بزنی.

جمله در دید کلی به « نهاد و گزاره » تقسیم می شود. اگر به نمونه های بالا دقت کنید ، این تقسیم بندی را به راحتی می توانید تشخیص دهید.

نهاد کلمه یا گروهی از کلمات است که درباره آن خبری می دهیم . نهاد صاحب خبر است . به عبارت دیگر نهاد قسمتی از جمله است که درباره آن خبری می دهیم.

گزاره خبری است که درباره نهاد داده می شود. به عبارت دیگر گزاره ، گزارش خبر است

نکات قابل توجه در تشخیص نهاد و گزاره:

۱- در تشخیص نهاد از جمله سوال « چه کسی ؟ چه چیزی ؟ » را می پرسیم و جواب « نهاد » خواهد بود:

آسمان مثل یک تبسم شد.      چه چیزی ؟      آسمان (نهاد)

من قلب کوچولویی دارم      چه کسی ؟      من ( نهاد)

دامن پاکت ای فرشته مهر      باغ آینه گون توحید است

بازگردانی : ای فرشته مهر ، دامن پاکت باغ آینه گون توحید است      جمله: ای فرشته مهر: ( جمله ی بی فعل )

چه چیزی ؟      دامن پاکت ( نهاد)

۲- بعد از جداسازی نهاد ، بقیه جمله گزاره است. در جملات فوق:

مثل یک تبسم شد ( گزاره)      قلب کوچولویی دارم ( گزاره)      باغ آینه گون توحید است ( گزاره)

۳- فعل مهم ترین جزء گزاره است و بعد از بازگردانی باید در پایان جمله بیاید.

زندگی بر تو می زند لبخند:      زندگی بر تو لبخند می زند

نهاد( زندگی)      گزاره( بر تو لبخند می زند )

۴- همان طوری که نهاد ممکن است یک کلمه یا بیشتر باشد، گزاره هم گاهی یک فعل است و گاهی اجزای بیشتری دارد:

من اینجا چون نگهبانم تو چون گنج      تو را آسودگی باید مرا رنج

جمله اول: من(نهاد)      اینجا چون نگهبانم( گزاره)

جمله دوم: تو ( نهاد)      چون گنج ( گزاره)

جمله سوم: آسودگی( نهاد)      برای تو لازم است ( گزاره)

جمله چهارم: رنج( نهاد)      برای من لازم است. ( گزاره)

\*\* می بینید که نهاد در همه جمله ها یک کلمه است؛ اما گزاره بیشتر

هجوم فتنه های آسمانی      مرا آموخت علم زندگانی

بازگردانی: هجوم فتنه های آسمانی ( نهاد) علم زندگانی را به من آموخت. ( گزاره)

\*\* در این نمونه نهاد یک واژه نیست.

۴- گاهی نهاد در جمله وجود ندارد. در این موقع با نگاه به فعل یا از طریق قرینه های جمله قبلی به وجود نهاد پی می بریم. هنگام نبود نهاد به جایش « - » می گذاریم.

با نگاه های کنجکاوانه و تشنه، به درس بزرگ طبیعت می نگریستم. ( چه کسی؟ ) « - »

اگر به فعل نگاه کنید ، مَم در آخر فعل « شناسه » نام دارد و نهاد را به ما می‌شناساند؛ یعنی ( من )

« - » گفت : جان پدر! تو نیز اگر بخفتی « - » به « - » از آن که در پوستین خلق افتی

گفت. ( نهاد : او ) حذف شده است « - » جمله اول

جمله دوم: جان پدر! ( منادا ) و بی فعل است

جمله سوم : تو ( نهاد ) نیز اگر بخفتی ( گزاره )

جمله چهارم: « - » به از آن ( بود ). ( نهاد : خفتن ) حذف شده است.

جمله پنجم: « - » که در پوستین خلق افتی. ( نهاد: تو ) با توجه به قرینه جمله های قبل حذف شده است

مادر و گاو